

The presence of women in social movements from the bread political riot to the constitutional movement (1268-1209 AH)

Faezeh Tavakoli*

Ali Bigdeli** Nemat Ahmadi***

Abstract

The presence of women in social political movements of contemporary history began with influential movements such as the tobacco movement, and with the rise of constitutional developments, the presence of women in the movements of other cities expanded. The problem of this research is to investigate how the power of women and their presence in the social movements of the constitutional period? The purpose of this research, considering the historical discourses of the constitutional period, how is the presence and participation of women in social and political movements? On the other hand, the women of the elite who came from different parts of Iran in the interior of kings such as Naser al-Din Shah, by using influence on the king in the tobacco movement, were able to movement to have an effective role. In the continuation of the presence of women in the developments of the constitutional period, their influence and the presentation of their demands in various urban movements have been explained in this research. This research is analytical-descriptive. The results of the findings show that the movement of women in the tobacco movement and other women's actions during the constitutional period was accompanied by their hidden authority and influence within the power structure, and men's companionship with protesting women even appeared in very prominent military battles, and in the analysis of the theoretical foundations of power, women By using "open conflict" in the field of fighting

* Phd student of History, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, faezehtavakoli@yahoo.com

** professor of History, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, (Corresponding Author) alibigdeli.hist@yahoo.com

*** Assistance professor of History, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, nematahmadi@gmail.com

Receive Date: 06/5/2023, Accept Date: 26/7/2023



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

حضور زنان در جنبش های اجتماعی... ۵۷

against the government, they were able to influence the changes of the constitutional period in numerous models of sit-ins, protests and military battles

Keywords: Social movements, Constitutional period, Presence of women, Tobacco movement



حضور زنان در جنبش‌های اجتماعی از بلوای سیاسی نان تا جنبش مشروطه (۱۲۰۹- ۱۲۶۸ هجری شمسی)

فائزه توکلی *

علی بیگدلی ** نعمت احمدی ***

چکیده

حضور زنان در جنبش‌های سیاسی اجتماعی تاریخ معاصر از اوان مشروطه با حرکت‌های تأثیرگذاری چون جنبش تنباکو آغاز و با اوج‌گیری تحولات مشروطه حضور زنان در جنبش‌های سایر شهرها گسترش یافت. مسأله این پژوهش در مورد بررسی چگونگی قدرت زنان و حضور آنان در جنبش‌های اجتماعی دوره مشروطه است؟ هدف از این پژوهش با توجه به گفتمانهای تاریخی دوره مشروطه نحوه حضور و مشارکت زنان در جنبش‌های اجتماعی، سیاسی چگونه می‌باشد؟ از سویی زنان ایلاتی که از نقاط مختلف ایران در اندرونی شاهانی مانند ناصرالدین شاه، با استفاده از نفوذ بر شاه در جنبش تنباکو توانستند در مسیر جنبش نقش موثری داشته باشند. در ادامه حضور زنان در تحولات دوره مشروطه، نفوذ آنان و ارایه مطالبات آنان در جنبش‌های شهری گوناگون در این پژوهش تبیین شده است. این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی می‌باشد. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که حرکت زنان در جنبش تنباکو و سایر کنش‌های زنان در دوره مشروطه، از اقتدار و نفوذ پنهان آنان در درون ساختار قدرت همراه بوده است و همراهی مردان با زنان معترض تا نبردهای نظامی بسیار برجسته نیز ظاهر شد و درواکوی مبنای نظری قدرت، زنان با استفاده از "ستیز آشکار" در حوزه مبارزه با حکومت توانستند در مدل‌های متعدد بست نشینی و اعتراض و نبرد نظامی بطور آشکار در تحولات دوره مشروطه تأثیر گذار بودند.

کلیدواژه‌ها: جنبش‌های اجتماعی، دوره مشروطه، حضور زنان، جنبش تنباکو.

۱. مقدمه

نهضت مشروطه از تأثیر گذارترین تحولات سیاسی، اجتماعی در تاریخ معاصر ایران است زیرا یکی از مهمترین مولفه‌هایی که می‌توان از منظر جنسیتی به آن پرداخت، شرکت زنان در جنبش‌های اجتماعی بود که با اعمال قدرت توانستند در ترکیب و اوج‌گیری نهضت به گسترش جنبش‌ها و فراگیر شدن آنها کمک نمایند. با واکاوی نقش زنان در جنبش‌های سیاسی اجتماعی ابتدا به زمینه‌های قدرت‌گیری زنان و سیر آن و چگونگی نقش آنان در صورت بندی‌های سیاسی، اجتماعی این دوره اشاره می‌شود. در ایران جنبش‌های اجتماعی سیاسی زنان با

* دانشجوی دکتری تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. faezeptavakoli@yahoo.com

** استادگروه تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). alibigdeli.hist@yahoo.com

*** استادیار گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. nematahmadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۴



جنبش تنباکو و دخالت مستقیم زنان در بلوهای ناشی از بحرانهای اقتصادی در تهران و شهرستانها و تشکیل انجمن های سری و نیمه سری که به طور مخفیانه شکل گرفت تا مبارزات مسلحانه بین موافقان و مخالفان مشروطه در آذربایجان تا آنجا پیش رفت که جسد ۲۰ زن در لباس مردانه یافت شد (اتحادیه ۱۳۷۷: ۲۷۸). بعدها در سالهای پس از تشکیل مجلس و جنگ جهانی دوم سازمانهایی تأسیس شدند که به حقوق زنان می پرداختند.

درواکاوی تاریخ مشروطه ایران در زمینه جنبش های سیاسی و اجتماعی زنان پژوهش جامع و منسجمی لازم است تا حرکت های تحول آفرین زنان بررسی و ترسیم شود. در این پژوهش تلاش بر این است تا به این مسأله پاسخ داده شود: نقش و جایگاه جنبش های سیاسی، اجتماعی زنان و مدل های قدرت زنان در جریان جنبشها بعنوان نخستین حرکت های زنان که از اندرونی به محیط بیرونی کشیده شد با چه نتایجی همراه بود و دستاوردهای آن با کدام رویکرد قابل تبیین است؟

مطالعه علمی و نظری چگونگی جنبش های زنان در دوره مشروطه با توجه به سیر تحولات اجتماعی، سیاسی آن دوران ابعاد گوناگونی را بازگو نموده و تصویری روشن از نقش پیدا و پنهان زنان ارائه می دهد.

جنبش بنوعی رفتاری جمعی است که در میان انسانها به این دلیل رخ می دهد که اشخاص فهم و انتظارات مشترکی از حیات سیاسی، اجتماعی دارند. کنش های زنان در تاریخ مشروطه که از مهمترین تحولات اجتماعی سیاسی تاریخ معاصر زنان است، دستاوردهایی را برای رسیدن به اهداف مشترک و ترکیب های متحول آفرین منافع آنان و سازماندهی و بسیج فرصت ها و شبکه سازی در موقعیتهای استراتژیک با نقش آفرینی معنا و مفهومی میابد و می توان با بازخوانی حرکتها در جهت نگاه به گذشته و ساخت اکنون، حرکتها و قدمهای بلند آتی را در حوزه هایی قدرت سیاسی اجتماعی زنان رقم زد.

در تحقیقات پیشین انجام شده در حوزه زنان در تاریخ مشروطه قالب تحقیقات به نقش مغفول زنان، در عرصه های محدود اشاره نموده اند اما در قالبی یکپارچه و ممتد سیر تأثیر گذاری فعالیت زنان که برگرفته از جنبش های اجتماعی سیاسی آن دوران و صورت بندی شکل و محتوی جنبش ها می باشد ارائه نشده است. ویژگی این تحقیق پیوستگی و سیر طولی عرضی جنبش های زنان با ارائه تحلیل توصیفی می باشد.

در واکاوی جنبش سیاسی اجتماعی زنان در تاریخ معاصر، عوامل اقتصادی نقش تعیین کننده ای داشتند و زمینه نارضایتی و گسترش آن را بهمراه داشتند. بحرانهای اقتصادی ناشی از ورشکستگی دولت و تورم بی سابقه ای که از سال ۱۲۸۳ آغاز شده بود از مهمترین وقایع و رویدادهایی بود که موجب نارضایتی عمومی از حکومت مظفرالدین شاه شد و زمینه ساز جنبش مشروطه شد. "قیمت نان ۹۰ درصد و قند و شکر ۳۳ درصد افزایش یافت. علت تورم اقتصادی، ناشی از بدی محصول و از سوی دیگر بر اثر شیوع وبا، افول ناگهانی در تجارت شمال به دلیل جنگ ۱۹۰۵ ژاپن و روسیه و در پی آن آشوب های امپراطوری روسیه تشدید شده بود (آبراهامیان ۱۳۸۹: ۸۶)

"از دلایل اعتراضات مردمی، مورد بانک استقراضی روسیه بود که بدنبال مکانی برای فعالیت های اداری بود و به دنبال آن گورستان متروکه کنار بانک را خریداری کرد. بیرون آمدن استخوان های مرده ای در گودبرداری این

محل اعتراضات گسترده ای را ایجاد کرد و موجب حمله مردم به بانک شد. در هفته بعد که مصادف با محرم بود، نیروهای قزاق یک لوتی سرشناس را دستگیر و سازمان دهندگان اعتراض را تبعید کردند و همچنین با تیراندازی به مسجد آدینه، سید طلبه ای را به قتل رساندند. در تشیع و خاکسپاری سید، جمعیت زیادی از زنان حضور یافتند و انزجارشان را نسبت به حکومت اعلام کردند". (همان: ۸۸)

۱.۱ چارچوب نظری تحقیق

در مطالعه جنبش های اجتماعی سیاسی زنان باید به زمینه های شکل گیری و سیر تحولات آن توجه شود. در تحلیل انواع جنبشهای اجتماعی سیاسی و حضور زنان بطور عام لایه های گوناگون و سطوح مختلف باید در نظر گرفته شود. کارکردهای هریک از جنبشهای زنان و تأثیرات آن در روند رسیدن به مطالباتشان باید مورد توجه قرار گیرد. دارندورف تصریح می کند مبارزات سیاسی وجود دارند و تغییرات ساختاری در ساختارهای اقتصادی اجتماعی نیز وجود دارد و بی تردید این دو به هم مربوطند و رابطه ای قطعی و همیشگی نیست. از زمان به زمان و مکان به مکان تفاوت دارد (دارندورف ۶: ۱۹۸۸) به عبارتی شرایط زنان ایران از آغاز شرکت مستقیم و غیر مستقیم آنان در جنبشها با توجه به شرایط اقتصادی و نفوذ آنان در لایه های قدرت از جمله حضور زنان ایلات در دربار شاهان پیشا مشروطه و درهم تنیدگی لایه های قدرت در درون دربار در اواخر دوره قاجار در جریان جنبش مشروطه مورد تبیین در این پژوهش قرار گرفته است. "در مطالعه جنبشهای اجتماعی و سیاسی زنان و حضور آنان باید به تأثیرات عام ساختاری و به تفاوت های خاص فراساختاری نیز توجه شود. باید پذیرفت که عملکرد جنبش های اجتماعی بارزترین نمود مفهومی و تجربی رابطه دو جانبه میان دو سطح فرد و ساختار اجتماعی است" (زورچر و اسنو: ۱۹۸۱، ۴۵۷) در علم جامعه شناسی، قدرت یکی از عام ترین مفاهیم در علوم انسانی و اجتماعی است و شاید دلیل این عام بودن، حضور همیشگی اش در روابط اجتماعی و انسانی باشد. قدرت، ذاتی روابط اجتماعی است و جامعه به واسطه آن به سامان می شود. در نگرش سیاسی و فلسفی عمومی معاصر، قدرت همواره معادل حکومت تلقی می شود و حکومت، تنها صاحب امتیاز قدرت به حساب می آید و مردم فاقد آن هستند. در نظریه های جامعه شناسی قدرت به عنوان امتیازی که تصاحب و تملک می شود در نظر گرفته می شود حال آن که آنرا به منزله ی شبکه ای از مناسبات باید دانست که همواره در حال گسترش و فعالیت است و همچون شبکه ای گسترده تا اعماق جامعه پیش رفته است و همه ی افراد در این شبکه کم و بیش درگیرند، می باشد. قدرت نیروی چند ظرفیتی است که به واسطه ی مجموعه ای متکثر از شبکه های اجتماعی به حرکت درمی آید. قدرت در سراسر جامعه پراکنده و منتشر شده است. در توزیع شبکه قدرت عامل تعیین کننده قدرت مبتنی بر وابستگی کل ساختار بدان جایگاه است .. (ریترز، ۱۳۹۸: ۵۹۰)

۲.۱ پیشینه پژوهش

در گزارش اصلی این پژوهش تعدادی از منابع مورد بررسی با استفاده از منابع خارج کشور مورد نظر قرار گرفت. بخش قابل توجهی از این منابع پایان نامه و نوشته های دانشگاهی خارج از ایران است. البته تعدادی نوشته هم به زبان فارسی بررسی شده است. برای ارائه تصویری از منابع مورد بررسی تعدادی از آنها در

مقاله حاضر و در ادامه مطرح و نقد و بررسی می‌شود. الف) تحقیقی تحت عنوان سیاست‌های جنسی، مطالعه‌ای موردی فمینیستی در ایران». توسط الف... سارا، (۲۰۰۷) به عنوان پایان‌نامه در دانشگاه بولو ویو ۴ انجام شده است. این تحقیق با استفاده از الگوهای جامعه‌شناسی سیاسی به ویژه نظریه پردازیهای نظری مربوط به جنبش‌های زنان به مطالعه‌ای فمینیستی دست زده است. نویسنده فاکتور مهم "وابستگی سیاسی"، "اهداف جمعی" و "هویت جمعی" را به عنوان مشخصه اصلی جنبش زنان در نظر گرفته است که برخی از مولفه‌های آن تا حدودی با نظریه بلومر در مورد جنبش‌های اجتماعی همخوانی دارد. این تحقیق حق آموزش و حق رای و شرکت در انتخابات را اولویت مطالبات مدنی زنان در سالهای پس از مشروطه ذکر کرده است (۱). نویسنده اعتقاد به اتفاق نظر و اتحاد بین فمینیست‌های اسلامی و دیگر فمینیست‌ها دارد. ب) الیز ساناساریان ۹ (۱۹۸۲) تحقیقی تحت عنوان «جنبش حقوق زنان در ایران» انجام داده است که به زبان فارسی هم ترجمه شده است. نوشین احمدی خراسانی یکی از محققین حوزه زنان این کتاب را ترجمه کرده است. وی معتقد است این تحقیق یکی از موفق‌ترین تحقیقات در این زمینه است. وی می‌گوید: داشتن چارچوب نظری و منظر جامعه‌شناختی از ویژگی مهم این اثر است. ساناساریان معتقد است آثار و نوشته‌های نظری در مورد جنبش‌های اجتماعی عموماً نامنسجم، گنگ و مبهم هستند. خود او سعی کرده با الهام از نظریات جامعه‌شناختی چارچوبی نظری برای مطالعه جنبش حقوق زنان ارائه نماید. نهایتاً شش ویژگی و شاخص را برای مطالعه جنبش حقوق زنان ارائه می‌نماید و نویسنده معتقد است جنبش زنان ایران در اوج خود یعنی دوره مشروطه تا (۱۳۱۰) این مشخصه‌ها را دارا بوده است: ۱- گروهی ناراضی از نظم موجود اجتماعی ۲- قصد تغییر نظم اجتماعی ۳- فعالیت‌های مستمر برای دستیابی به این تغییرات ۴- وجود مخالفت علیه چنین فعالیت‌هایی ۵- وجود شبه ساختاری سازماندهی شده - در فعالیت‌های این گروه ۶- تعهد و در کی مشترک از اهداف اصلی چنین فعالیت‌هایی. ج) فریده گرامی (۱۹۹۸) پایان‌نامه دکتری خود را تحت عنوان «توسعه سرمایه‌داری و مذهب بنیادگرا، تأثیر ایدئولوژی اسلامی در نقش زنانه انجام داده است. این تحقیق از منظر اقتصادی و دین به موضوع زنان در ایران پرداخته است. محقق از نظریات جامعه‌شناسانی همچون مارکس و وبر به شکل عام به عنوان چارچوب نظری استفاده کرده است. تحولات مربوط به توسعه تولیدات کارخانه‌ای در دوره پهلوی دوم. و تأثیر ایدئولوژی مذهبی در دوره بعد از انقلاب از عوامل تأثیرگذار بر فعالیت زنان به حساب آمده است. د) پین (۲۰۰۶) در پایان‌نامه خود در مورد نقش و حقوق زنان در ایران معاصر، ابتدا مباحثی نظری در مورد حقوق بشر و حقوق زنان مطرح کرده است. آنگاه نظریات برخی اندیشمندان مسلمان را مثل عبده، رشیدرضا و سید قطب و... را مطالعه کرده و نهایتاً معتقد است تمام این نظرات برگرفته از قرآن و احادیث است. این نویسنده یک فصل مهم از کار خود را به عنوان یک مطالعه موردی به ایران اختصاص داده است. از نظر این نویسنده دو بار دو اتفاق بزرگ و دو تغییر مسیر در حقوق زنان صورت گرفته و سومی هم در حال جریان است. اولین اتفاق اصلاحات نوگرایانه رضا شاه بود که به شکلی تا آخر حکومت پهلوی ادامه پیدا کرد. رضا شاه سعی کرد حقوق شرعی و زنان را

تا آنجا که ممکن است سکولار بکند (همان، ۱۳۸). تغییر مسیر دوم مربوط به انقلاب ۱۹۷۹ به رهبری کاریزماتیک آیت الله خمینی بود.

سعید زاهد و بیژن خواجه نوری هم کتابی تحت عنوان «جنبش زنان در ایران» نوشته اند. این تحقیق از نظریه "ساختاربندی گیدنز برای تدوین چارچوب نظری استفاده کرده است. محققین البته عناصری به این چارچوب تحت عنوان «مولفه های روش شناسی واقع گرا، اضافه نموده ند. سنت و مدرنیته و اندیشه دینی از جمله عناصری هستند که مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است. و آرزو اوسانلو (۲۰۰۲) پایان نامه دکتری خود را تحت عنوان «ساختار قانونی - اجتماعی حقوق مدنی زنان ایران» در دانشگاه استنفورد انجام داده است. مانی (۲۰۰۶) پایان نامه خود را در زمینه تغییر نقش زنان در ایران در دانشگاه کانزاس انجام داده است. این نویسنده معتقد است ایران بهترین نمونه برای مطالعه تغییرات نقشی زنان در خاورمیانه است. استدلال نویسنده این است که زنان ایران تحت تأثیر حکومت و دین فرایند پیچیده ای از تحولات نقشی را تجربه کرده اند. نکاتی چند در خصوص نقد و بررسی منابع فوق می توان مطرح کرد: ۱. منابع موجود عموماً با رویکرد تاریخی و سیاسی تدوین شده اند. ۲. چارچوب های نظری و روشی منابع مورد بررسی جامعیت لازم را ندارند. آنها یا فاقد نظریه هستند یا عموماً نظریه های اندیشمندان کلاسیکی مثل وبر و مارکس را مبنا قرار داده اند. تنها کسی که یک گام فراتر رفته و از الگوی جنبش شناختی بلومر استفاده کرده الیز ساناساریان است ۳. در تحقیقات انجام گرفته عموماً به نقش و تأثیر دین و دولت در جنبش زنان اشاره شده است. اما تحلیل این مساله با روشها و رویکردهای جدیدی مثل تحلیل گفتمان انجام نگرفته است. ۴. از دهها منبعی که در این تحقیق بررسی شده است عموماً تحقیقات رسمی و دانشگاهی به ویژه پایان نامه هستند. این نوع از کارها ناگزیر به استفاده از اسلوبهای رسمی دانشگاهی هستند که در نهایت موجب غلبه فرم بر محتوا می شود.

۲. حضور زنان در "بلوای سیاسی نان"

در اواخر دوره ناصری در سال های ۱۳۰۸-۱۳۰۹ ق اولین رویارویی جدی مردم با حاکمیت قاجار شکل گرفت که شامل شورش های کوچک و بزرگ در جریان "بلوای سیاسی نان" بدنبال قحطی بزرگ سال ۱۲۷۷ ق در تهران اتفاق افتاد. در زیراسنادی مرتبط با شورش زنان در بلوای نان در شهرهای شیراز و اصفهان آورده می شود:

همچنین در تهران شورش های زنان جریان داشت چنانکه در گزارشی که استریک نماینده سیاسی انگلستان در ایران از این جریان آورده، زنان را عامل برپایی این طغیان نشان می دهد:

"مردم پایتخت از بی نانی، پریشان حال بودند...بدلیل بدی راه ها غله به شهر نمی رسید. گرسنگی شرم زنان را برده بود، به هر کس درکوی و برزن می رسیدند، یاری می جستند. روز هفدهم شعبان ۱۲۷۷ ق / ۱۸۶۰ م شاه از شکار باز می گشت که انبوه چند هزار نفری زنان جلوی او را گرفتند. نان می خواستند و پیش چشم شاه دکان نانویی را چپاول کردند. همین که شاه به قصر خود رسید، به دستور او دروازه های شهر را بستند. روز بعد آشوب

از نو برخاست . با وجود آنکه دروازه ها را بسته بودند ، چند هزار زن هجوم آوردند ، به ضرب سنگ و چوب نگهبانان را از پای درآوردند، به شهر ریختند. قرار این بود که مقدمه هنگامه را جماعت زن ها فراهم سازند ، و در پی آن مردان بریزند و شورش بر پا کنند . شاه از بالای قصر با دوربین به ازدحام مردم می نگریست . کلانتر شهر هم آمد و پهلوی شاه ایستاد . از شاه سرزنش و پرخاش شنید که این چه وضعی است .

کلانتر گفت می رود غوغا را بخواباند. او با گروهی از گماشتگان به جمعیت زنان حمله بردند.خودش با چوبدستی که داشت زنان را می زد . به ضرب چوب او از زنی خون جاری شد و از زنان شیون و فغان برخاست .شاه برآشفته و کلانتر را فراخواند . بی درنگ فرمان داد ریشش را بتراشند و او را به چوب و فلک ببندند . کلانتر شوریده بخت زیر چوب و فلک بود که شاه گفت: "طناب " درآئی امر شاه اجرا گشت... جسد برهنه کلانتر را در بازار روی زمین کشاندند و تا سه روز او را از پا درمیدان شهر آویزان کردند . بدنبال اعدام کلانتر ، همان روز همه کدخدایان محله های شهر را آوردند و به چوب و فلک بستند(چون نتوانسته بودند جلوی طغیان مردم را بگیرند-)...روز بعد شاه جامه سرخ غضب پوشید و با تنبیه کسان دیگر سعی کرد ترس در دل مردم اندازد. اما مشکل نان حل نشد.آشوب پی در پی بر پا گشت .در یکی از غوغاها نزدیک بود امام جمعه تهران کشته شود که غش کرد و نجاتش دادند. زنان باز برخاستند. چنین قرار نهاده بودند که دوگروه تشکیل دهند. گروهی روانه سفارت انگلیس گردند و گروه دیگر به سفارت روس بروند و از وزیران مختار تقاضا کنند که از جانب مردم در کار تامین نان شهر با شاه گفتگو نمایند. جمعی به سفارت انگلیس رفتند و چادر از سر برداشتند

(که در واقع نشانه اعتراض به دولت بود). سفارت به زحمت توانست آنان را خارج کند(آدمیت ۱۳۵۱:۷۹)

ناصرالدین شاه برای ختم غائله برخوردی قهرآمیز با منصوبین خود کرد تا با ایجاد رعب و وحشت هم شورش ها را آرام کند و هم مسئولیت مشکل پیش آمده را از دوش خود بردارد؛ که البته به مقصودش نیز رسید.

۳.حضور زنان در "جنبش تنباکو"

سی و یک سال بعد از بلوای سیاسی نان درسال(۱۳۱۹هجری قمری) شرایط تغییر یافت و توسط علما و مراجع و زنان "جنبش تنباکو" دردوره ناصرالدین شاهشکل گرفت. جنبشی که در اعتراض به واگذاری امتیازات و انحصار خرید و فروش و صدور توتون و تنباکو به شرکت انگلیسی "رژی" توسط شاه صورت گرفت.خبر واگذاری امتیاز تنباکو که در زمان اقامت شاه در لندن تنظیم شده بود و قرار نبود عموم از آن مطلع شوند، پس از آنکه در روزنامه فارسی زبان اختر، چاپ استانبول مطرح گشت، موجی از اعتراضات را به همراه آورد. اعتراضاتی که از شیراز با ورود نمایندگان شرکت رژی برای اجرایی کردن مفاد امتیاز نامه آغاز شد . بازارها و مغازه های اصلی بسته شدند و شب نامه های تندی علیه شاه توزیع شد. با پیوستن علما به موج مخالفت ها به ویژه فتوای تاریخی آیت الله میرزای شیرزای مبنی بر آنکه "مصرف توتون و تنباکو در حکم محاربه با امام عصر (ع) است (کرمانی ۱۳۶۲:۱۹) ،اعتراضات توده مردم که به مشهد و اصفهان و کرمان و تهران و تبریز کشیده شده بود به اوج خود رسید .

در این میان زنان دعوت آیت الله میرزای شیرازی را فعالانه پذیرفتند و تحریم را رعایت کردند. حتی زنان شاه به رهبری انیس الدوله قلیان ها را شکسته و برای نخستین بار از پذیرفتن خواست شاه سر باز زدند. در تهران شورش بزرگی برپا شد که زنان برای نخستین بار در آن به طور چشمگیری حضور یافتند. آنان شعار می دادند "ای شاه باجی سیلو، ای لامذهب، ما تو را نمی خواهیم" (تیموری ۱۳۸۵: ۱۰۸) سربازان به روی جمعیت آتش گشودند که منجر به مرگ تعدادی از تظاهر کنندگان گشت. بدنبال این واقعه، اعتراضات شدیدتر و گسترده تر شد تا بالاخره ناصرالدین شاه ناگزیر شد قرارداد رژئی را لغو کند. یکی از نکات مهم جنبش تنباکو بعد از بلوای نان که از نظر گستره درگیری های شهری محدودتر بود، دخالت زنان اندرونی بود زنانی که در زیر سایه شاه ولی نعمت خود بودند اما زنی مانند انیس الدوله در برابر فتوای علما از شاه خواست تابعیت نماید.

"جنبش تنباکو چندین ویژگی داشت که تا پیش از آن سابقه نداشت، اما در جنبش فراگیر بعد از آن، یعنی انقلاب مشروطه ادامه یافت؛ نخست آنکه، نهضت تنباکو یک نهضت ائتلافی شهری بود که عناصر مختلف طبقه متوسط (بازاریان، منورالفرکان و بخشی از علماء) در آن نقش داشتند. دوم آنکه، از ابتدای حکومت قاجار این نخستین بار بود که روحانیون وارد عرصه سیاسی می شدند و در فرآیند یک جنبش توده ای نقش آفرینی می کردند. حرمت شرعی و قانونی علماء، پیروی توده های مردم از آنها و پیوندشان با طبقات بازاری باعث شد برخی اصلاح طلبان غیر مذهبی به آنها در مبارزه علیه سلطه روزافزون بیگانگان به عنوان متحدانی ثمر بخش بنگرند، به ویژه در جریان نهضت موفقیت آمیز تنباکو در سال های ۹۲-۱۸۹۱ و پس از آن، این نگرش عمیق تر شد" (کدی ۱۳۸۱: ۸۲) نکته بسیار مهم تر نقش زنان در جنبش تنباکو است که با نقشی فعالانه و اعتراضی علیه حاکمیت شرکت کردند و این حرکت زمینه حضور آنان در جنبش مشروطه بطور فراگیر را فراهم آورد.

۴. حضور زنان در شورش اجتماعی کرمان

جنبشهای زنان در اعتراضات شهری دوره مشروطه در تهران و شهرستانها پرننگ بود. از جمله ولایاتی که زنان در آنجا نقش آفرینی کردند کرمان بود. شورش کرمان و حضور زنان در آن رویداد بسیار با اهمیت است و نشان می دهد مشارکت زنان در اعتراضات، منحصر به پایتخت نبود و ارتباط نزدیک زنان و علما به لحاظ بافت درهم تنیده مذهب آشکار است. در شرح حوادث کرمان از روایت شیخ یحیی احمدی در زیر می آید: "در سال ۱۳۲۳ ق یکسال پیش از صدور فرمان مشروطه و در جریان جنبش مشروطه، در کرمان میان آیت اله حاج میرزا محمدرضا کرمانی، مجتهد بزرگ این شهر با ظفرالسلطنه حاکم اختلاف و دعوایی روی داد و سربازان به حکم والی به منزل آیت اله هجوم بردند؛ در این درگیری دو نفر کشته شدند که منجر شد، مردان همه بگریزند و تنها زنان در حمایت آیت اله در گرد او بمانند. آنچنان که شیخ یحیی احمدی آورده: «اگر زنهای کرمان در مقام حمایت و نصرت او بر نیامده بودند، هر آینه شیخ معدوم شده بود. علیرغم مقاومت و حمایت زنان، سربازان حاج میرزا را دستگیر کرده و با تخفیف او را به دار الحکومه بردند؛ در حالی که به گفته احمدی مردان پنهان شده بودند، زنان با گریه و شیون شیخ را همراهی می کردند" (احمدی ۱۳۷۰: ۱۹۶)

ظفرالسلطنه حاج میرزا کرمانی و چند روحانی دیگر را به فلک بست و سپس آنها را به بم تبعید کرد. روحانیون کرمان در اعتراض به اقدام حاکم هیچ یک به نماز جماعت حاضر نشدند؛ به جز حاج محمد کریمخان مقتدای طایفه شیخیه. جالب آنکه، زنان عصبانی از این اقدام حاج محمدکریم خان ازدحام کرده، او را به رفتن به لنگرمنجور کردند. این اقدام والی کرمان موجب خشم و اعتراض علماء در تهران شد؛ آنچنان که آیت الله طباطبایی بر منبر، اتابک را بدین خاطر سخت نکوهش کرد. در این جنبش نقش زنان و حضور آنان در رخدادهای تاریخی کرمان، حاصل کردارهای شجاعانه زنان در مقابل مردانی که سکوت کردند و حمایت آنان از علمای کرمان، بنوعی می تواند حضور فعال زنان بشمار آید.

۵. حضور زنان در شورش سیاسی زنان تهران

در مرکز پایتخت هم جنبش های اعتراضی زنان نسبت به شرایط حاکم وسایر شهرها و پیرامون تا حدود زیادی گسترش یافت چنانکه در تابستان ۱۲۸۵، موج تازه ای از اعتراض نسبت به حکومت، به ویژه اتابک به راه افتاد و وعاظ در منابر خود به نکوهش عین الدوله پرداختند. یکی از آنان حاج شیخ محمد واعظ بود که به صراحت و علنا عین الدوله را مورد آماج سرزنش ها و حملات خود قرار می داد. روز چهارشنبه ۱۹ تیر ماه ۱۲۸۵ سربازان حکومتی به دستور عین الدوله شیخ محمد واعظ را دستگیر و به قراولخانه بردند. وقتی خبر این واقعه به آیت ... بهبهانی رسید، او پسر خود را برای رهایی شیخ فرستاد. در این بین جمعی از مردم نیز با او همراه شدند و به قراولخانه حمله کردند و شیخ محمد را از آنجا بیرون آوردند. در این رویارویی طلبه جوانی به نام سید عبدالحمید به ضرب گلوله سربازان کشته شد. غوغایی برپا گشت. جماعت جنازه سید را به دوش گرفته و به مسجد آدینه در بازار بردند. جنبش های اعتراضی زنان در رابطه با حادثه فوق چنان بود که زنان پا به میان گذاشتند و به همراه مردان به دنبال علما و روحانیون می رفتند و آنان را به مسجد می آوردند. در مسجد نیز کسانی از آنان می بودند. (کسروی : ۱۵۷: ۱۳۸۰) جنازه سید را در صحن حیاط مسجد دفن کردند و علماء و بازاریان در مسجد به عزاداری پرداختند. فردای آن روز نیز بازاریان حجره خود را باز نکردند. علما و مردم در مسجد ماندند و به نوحه سرایی ادامه دادند. عین الدوله دستور به باز شدن بازار داده بود و اینکه هر کس فردا دکان خود را باز نکند حجره اش تاراج خواهد شد. اما جز نانوایان کسی دکان خود را باز نکرد و جمعیت حاضر در مسجد بیشتر می گشت. به روایتی زنان با سربازان حکومتی که بازار و سبزه میدان را قرق کرده بودند درگیر شدند. روز پنجشنبه ۲۰ تیرماه به دستور عین الدوله از بیرون آمدن زنان جلو گرفتند و هر که را از ایشان می دیدند می گرفتند و در قراولخانه نگه می داشتند. زیرا دیروز میانه یکدسته از آنان با سربازان و قزاقان کشاکش روی داده بود. (کسروی ۱۳۷۶: ۹۹)

"... روز جمعه هنگامی که عزاداران از مسجد بیرون آمدند سربازان به سوی آنان شلیک کردند و جمعی کشته شدند. این واقعه، مردم را جری تر نمود و شکاف میان حکومت و معترضین را عمیق تر کرد و منشأ مجموعه ای از رویدادهایی گشت که در نهایت به صدور فرمان مشروطه توسط مظفرالدین شاه انجامید. در اعتراض به این کشتار آیت ... بهبهانی، طباطبایی و شیخ فضل ... نوری و جمعی از علماء و طلبه ها راهی قم شدند. این کوچ اعتراضی که بعدها به مهاجرت کبری معروف گشت، خشم مردم را بیشتر کرد و خود سبب موج جدیدی از

اعتراضات عمومی شد. روایت های مختلفی از جوش و خروش زنان تهرانی در فقدان علماء در شهر وجود دارد. نمونه ای از آنها، روایتی است که فرصت شیرازی بیان می کند: «خود من دیدم زنی مقنعه خود را بر سر چوبی کرده بود و فریاد می زد که بعد از این دختران شما را مسیونوز بلجیکی باید عقد نماید و الا دیگر علماء نداریم. (کسروی ۱۳۷۶: ۱۰۷) حتی نوشته اند زنی عریضه ای به شاه رساند و او را تهدید کرد زنی هم در میدان توپخانه یکی از افرادی را که بر ضد نهضت صحبت می کرده، با تپانچه کشته بود. (اتحادیه ۱۳۹۳: ۲۹۳).

درمورد اعتراض زنان در تهران نقل شده است که وقتی شاه از مهمانی منزل امیر بهادر جنگ باز می گشت، زنان گرد کالسکه او را گرفته و فریاد می زدند: "ما آقایان و پیشوایان دین را می خواهیم... ما مسلمانیم و حکم آقایان را واجب الاطاعه می دانیم. عقد ما را آقایان بسته اند، خانه های ما را آقایان اجاره می دهند... ای شاه مسلمان علمای اسلام را ذلیل و خوار نخواهید، بفرما روسای مسلمانان را احترام کنند... ای پادشاه مسلمان اگر وقتی روس و انگلیس با تو طرف شوند شصت کرور ملت ایران، به حکم این آقایان جهاد می کنند..." (کرمانی ۱۳۶۲: ۳۶۱) به عقیده کسروی در آن روز "زنان با همه رویند و چادر کار بسیاری کردند و بخاطر همین فشار عمومی بود که شاه به عین الدوله دستور داد که: "مقاصد آقایان را اجرا دارید و آنها را تا فردا (به تهران) بیاورید. و الا من خودم می روم و آنها را می آورم" (کسروی ۱۳۷۶: ۶۹).

رویکرد اعتراضات زنان بسیار اهمیت دارد زیرا جنبش های زنان این دوره مشروطه برگرفته از اعتراضات مرکز دبرجراهای اقتصادی و نارضایتی مردم بویژه زنان و حمایت آنان از علمای مذهبی بود زیرا زنان در این دوره معلوماتشان از روضه خوانها و علمایی بود که در اندرونی به آنان تعلیم می دادند و نقطه محوری مطالباتشان حمایت از وعاظ و منبری هایی بود که در اماکن عمومی و مساجد خطبه می خواندند و لذا در پیوند با آنان قدرت می گرفتند و متقابلاً روحانیون نیز از حمایت زنان سستی برخوردار بودند. به جرأت می توان گفت یکی از زمینه های قدرت یابی علما و روحانیون از این دوران از زنان بود.

۶. حضور زنان در حرکت بست نشینی

بست نشینی در دوره جنبشهای مشروطه از سوی مردان یک رویه شده بود و زنان به پیروی از آنان به این رویه پرداختند. به عبارتی توسل به نهادهای خارجی قدرت که در سفارتخانه ها مستقر بودند و نقش تعیین کننده در سیاستهای داخلی ایران داشتند موجب توسل برخی علما و بازرگانان را وادار به بست نشینی کرد. یکی از عام ترین مفاهیم در علوم انسانی و اجتماعی قدرت است که از روابط اجتماعی منبث می شود. در دوره های تاریخ. معاصر، قدرت همواره معادل حکومت تلقی می شود و حکومت، تنها صاحب امتیاز قدرت به حساب می آید و مردم فاقد آن هستند. در جریان بست نشینی، مردم از حکومت به سوی قدرت های خارجی بعنوان یک نقطه اتکا متوسل شدند. چنانکه بر پایه ی این نگرش، کشمکش اصلی در جوامع، تضاد بین فرادستان "صاحبان قدرت" و فرو دستان "افراد فاقد قدرت" می باشد لذا در جریان بست نشینی در جریان خروج علما، پنجاه نفر از بازرگانان به سفارت انگلیس مراجعه کردند و درخواست بست نشینی کردند که پذیرفته شد. حدود سیزده هزار نفر در سفارت بست نشستند. حضور زنان در جلوی سفارت گرد آمدند و خواهان ورود به سفارت و ملحق شدن به

حضور زنان در جنبش های اجتماعی... ۶۷

بست نشینان شدند. زنان که درحاشیه و فرودست بودند با پیروی از مردان توانستند برای نخستین بار به قدرت های خارجی درجهت مطالباتشان متوسل شوند و با حضورشان درجلوی سفارتخانه آنان نیز خودرا از حاشیه به متن کشاندند. البته گرانت داف وزیر مختار انگلیس با خواست آنان مخالفت کرد و مانع آنان شد (همان). افتتاح دارالشوری و عزل امیر اتابک از درخواست های بست نشینان بود که درنهایت شاه درروز چهاردهم مرداد ۱۳۲۴ق/۲۸۵ش طی فرمان مشروطه به آن تن داد. متعاقب صدور فرمان مشروطه اهالی تهران شهر را آذین بستند و به جشن و سرور پرداختند. از تصاویر بجا مانده دراین روز شرکت و حضور زنان پررنگ است. در منابع دوره مشروطه حضور زنان در منابر درجریان مشروطه خواهی دراغلب شهرها به ویژه درمحلات مرکزی پایتخت در تصاویر بسیار پررنگ است. (کسروی ۱۳۷۶: ۱۲۶).

۷. حضور زنان در جنبش تبریز

نقش زنان در جنبش تبریز بسیار مهم است. مردم تبریز در دوره مشروطه درمواجهه با شاه، بدنبال درگیری های خونینی که در شهر رخ داد و بدنبال محاصره شهر تبریز توسط قوای محمدعلیشاه و روسهای تزاری که ده ماه طول کشید، زنان به گفته شماره های مختلف نشریه «انجمن» ملبس به لباس مردان در محلات مختلف تبریز در مقابل ضد انقلاب به نبرد برخاسته و در روستاهای حومه تبریز مسلخ گشتند. زنها فعالانه در این نبرد شرکت کردند، اگرچه می خواستند آنان را باز گردانند. با این وجود، دسته های شصت نفری از زنان چادر به سر محافظ سنگرهای تبریز بودند. در این درگیری های خیابانی تعدادی از زنان که با لباس مبدل شرکت کرده بودند، کشته شدند و تنها پس از کشته شدن آنها بود که مشخص شد، زن بوده اند، زیرا در بین کشته شدگان اجساد ۲۰ زن با لباس مردانه پیدا شد. (کسروی ۱۳۷۶: ۶۲۴) نقل است خندقها پر بوده است از زنها. (اتحادیه ۱۳۷۷: ۲۹۶) زنان تبریز، یکسری فعالیت هایی درجهت مقابله با ایجاد تردید و تزلزل در بین حامیان محمدعلی شاه و به انفعال کشاندن آنان انجام دادند. آنان نامه سرگشاده ای به عین الدوله فرمانده نیروهای اعزامی محمدعلی شاه ارسال نمودند. زنان مشروطه خواه تبریز خطاب به عین الدوله نوشتند: «ما طایفه نسوان تبریز از خواب بیدار شده و زنجیر استبداد را یکباره پاره کرده ایم!! تنها شما را خواب غفلت گرفته و خدا و پیغمبر را فراموش کرده و به محمدعلی میرزا فریب خورده اید (روزنامه انجمن ۱۳۲۷: ۳) زنان تبریزی از عین الدوله می پرسیدند او که زمانی با ولیعهدی محمدعلی میرزا مخالفت می کرده است چرا اکنون فریفته مواعید آن بدتر از یزید شده است؟

نویسندگان نامه سرگشاده، به نمایندگی از سوی مشروطه خواهان تبریز به عین الدوله اعلام می کردند: «خیال میکنی با این مظالم، ملت از مشروطه دست بر می دارند و با بستن راه آذوقه تسلیم بی ناموسان می

گردند. هیئات! ای حضرت والا که خطا رفته و غلط تصور فرموده اید، ما تا چند ماه آذوقه داریم بعد از آن برگ درختان و گیاه می خوریم با میوه سد جوع می نمایم، حتی گوشت گربه و سایر حیوانات می خوریم، بالاخره در خون خود می غلطیم و تابع هوای نفس محمدعلی میرزا نمی شویم. (همان: ۴)

۸. حمایتهای اقتصادی زنان از مردم

زنان مشروطه خواه در جنبش مشروطه دست به حمایتهای مالی از مبارزان نیز زدند. زیرا یکی از مسائلی که در دوره استبداد صغیر مبارزان مشروطه خواه به طور جدی با آن روبه رو بودند مسئله تأمین هزینه های مالی مقاومت بود. عمده هزینه های مبارزان مشروطه خواه به خرید اسلحه و مهمات اختصاص داشت که از سوی تجار ایرانی و در مواردی قفقازی تأمین می شد؛ با این حال گرد آوری کمک مالی از مناطقی که از کنترل استبداد طلبان خارج شده بود در دستور کار مشروطه خواهان قرار داشت. در زمینه کمک و حمایت مالی، زنان مشروطه خواه پس از فتح اصفهان به دست سواران بختیاری کمیسیون ملی برای تأمین مخارج رزمندگان بختیاری، عده ای از اعضای انجمن نسون سعادت توامان به انجمن ایلتی اصفهان رفته و اظهار داشتند حال که مردان در کار نیستند ما زیورآلات خود را تقدیم می نمایم. منجمه زنی کاسه مسین داشته و گفت از مال دنیا بیش از این مرا دارایی نیست و آن را هم در راه حیات و ترقی ملت نثار میکنم (حبل المتین ۱۳۲۷: ۱۸)

در همان زمان در برخی از مناطقی که در محاصره قوای حامی محمدعلی شاه قرار داشت، به واسطه برخی از مشکلات از جمله کمبود غله شرایط زندگی برای بسیاری از خانواده ها مخصوصا زحمتکشان دشوار شده بود و آنان از مشروطه خواهان می خواستند که حداقل خوراک یعنی نان مورد نیازشان را تأمین کنند و در قبال کاستی ها به اعتراض برمی خاستند. در جریان این قبیل اعتراض ها نیز، زنان حضوری فعال داشتند، مثلا در ربیع الاول ه. ق/ ۱۹ آوریل ۱۹۰۹ م، در تبریز گروهی از زنان در زیارتگاهی گرد آمده و برای دریافت نان، فریاد و شیون راه انداخته بودند. مشروطه خواهان تبریز در برخورد با این قبیل اعتراض ها معتقد بودند که این حرکات ناشی از تحریک مستبدین است و آنان «کسان خود را می فرستند در جلوی دکانهای خبازی داد و فریاد کرده تا اذهان فقرا و کسبه را مشوب دارند؟» (روزنامه انجمن ۱۳۲۷: ۳)

زنان تبریز در جریان محاصره نیروهای دولتی و سواران عشایر حامی محمدعلی شاه، به اشکال مختلف از مردان مشروطه خواه حمایت می کردند. زنان از یک سو با پختن غذا واز سویی با دوختن لباسهای رزمندگان مشروطه خواه حمایت می کردند وهمانگونه که در بالا اشاره شد زنان بطورمستقیم در میدان های جنگ حضور می یافتند و مسلحانه می جنگیدند. البته از دامنه و میزان شرکت زنان درمبارزه مسلحانه اطلاع چندانی دست نیست زیرا به لحاظ شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران در آن دوره زنان برای شرکت در مبارزه مسلحانه در اکثر مواقع ناچار بودند به لباس مردان در آمده و بچنگند. در این حالت تنها در صورتی

که زخمی یا کشته می شدند هویت آنان آشکار می شد. در شوال ۱۳۲۶ ه. ق / اکتبر ۱۹۰۸ م، از تبریز گزارش دادند: «جون اجساد شهدا را برای غسل بردند معلوم شد بیست و دو تن از شهدا شیرزانی در لباس مردان بوده اند که مردانه کوشیدند تا شربت شهادت نوشیدند. (حبل المتین ۱۳۲۶: ۲۴ ش ۱۶)

درهفته نامه حبل المتین درباره این قبیل زنان رزمنده توضیح چنین آمده که: «احرار ایرانی که از قشون استبداد هلاک شده اند غالب عورات آنها در لباس مردانه در آمده، اطفال خود را گرسنه و بی پرستار گذاشته سیصد نفر سلاح دربر کرده در حفظ حقوق مطالبه آماده مدافعه شده اند. اگر چه زنان به دلیل نوع زندگیشان آشنایی چندانی با سلاح و کاربرد آن نداشتند، با این حال توانایی و مهارت رزمی زنان تبریز موجب حیرت ناظران گردید و درباره آن نوشتند: «... زنان شیرافکن در یک نقطه مهمه شهر با تغییر قیافت به یک مهارت مخصوصی که در کار تیراندازی دارند سینه دشمن را می شکافند و آتش بر فرق نامردانه سپاه یزید می بارند. (همان: ۲۲، ش ۴۷)

چگونگی حضور خاص و نادر زنان تبریزی قابل تأمل است: "برای شرکت در جنگ و کارزار عمدتاً به لباس مردان در می آمدند، اما نشانه‌هایی از حضور رزمندگان زن که با پوشش زنانه می جنگیدند در دست است. یک دسته شصت نفری از زنان چادر به سرایرانی تفنگ به دست، در اختیار ماست. اینان محافظ یکی از سنگرهای تبریز بودند". (پاولویچ ۱۳۷۵: ۵۲) در برخی گزارش‌ها نیز چنین آمده که در تبریز در میان مجاهدین، زن‌های روباز دیده شده که مسلح در جنگ بودند (حکمت ۱۳۲۶: ۷ ش ۹۲۳)

در جریان مبارزات نظامی مردم تبریز برای نخستین بار زنان بطور مستقیم با لباسهای مردانه شرکت نمودند، قدرت به واسطه‌ای مجموعه‌ای متکثر از شبکه‌های اجتماعی به حرکت درمی‌آید. قدرت که در قالب نفوذ پنهان و غیرمستقیم زنان در دربار و سایر بخشهای اجتماع در دوره قاجار رایج بود با شکلی آشکار و مستقیم نمودار شد چنانکه زنان توانستند قدرت خود را اگر چه در لفافه اما بصورت مسلحانه در صحنه جامعه به رخ کشند. چنانکه در جریان حضور زنان در مبارزات دوره مشروطه در قالب شبکه‌های گوناگون نظامی و اجتماعی در قالب نهادها و انجمن‌ها خود را نشان دهند.

۹. حضور زنان در شورش سیاسی گیلان

مبارزات مسلحانه مشروطه خواهان در گیلان نیز گسترش یافت، در بین نیروهای رزمنده‌ای که موفق شدند این منطقه را از کنترل استبداد طلبان خارج کنند گروهی از زنان نیز حضور داشتند. آستیفیک دختر خوانده پیرم خان در خاطراتش از چگونگی تسخیر شهر رشت به وسیله رزمندگان مشروطه خواه، به ۱۹ نفر زن و دختری اشاره میکند که مبارزات مشروطه خواه را یاری و همراهی می کردند. او توضیح می دهد که دو نفر از پانزده رزمنده‌ای که مجروح شدند از زنان بودند. این دو نفر با شهادت جنگیده بودند و توانسته بودند با حمله خود دو نفر از مسلسل چی‌های دشمن را از پای در آورند. یکی از زنان زخمی، زنی بود از اهالی کردستان به نام عدرا که بدجوری زخمی شده بود و دیگری زن جوان بسیار زیبایی از روستایان گیلان به نام

لیلا بود ... عذرا زن زخمی کرد، سرگذشت پیچیده ای داشت. شوهرش -از مجاهدان کردستان بود که در تبریز به دست مستبدین گرفتار شد و به همراه دیگر مبارزان تبریز همانجا به دار آویخته شد. عذرا پس از شهادت شوهرش تفنگ به دست گرفته و به صفوف ما پیوسته بود... لیلا دختر بیست ساله ای بود که در دهات بزرگ شده بود ولی از لحاظ هوش و دراکه از همه بالاتر بود. (اطلاعات ۱۳۵۶: ۷ش ۱۵۳۸۴)

همچنین زنان رزمنده در اردوی مشروطه خواهان گیلان در فتح تهران نیز شرکت داشتند و عذرا در جریان درگیری در منطقه قزوین کشته شد (اطلاعات ۱۳۵۶: ۷)

۱۰. حضور زنان در جنبشهای تهران

در تهران زنان تلاش می کردند بررعب و وحشت عمومی از دولت محمدعلی شاه غلبه کنند و مردم را وادار به اعتراض کنند. در این راه به اشکال مختلف عمل می کردند، چنانکه در روز ۱۴ ذیحجه ۱۳۲۶ ه فی ۷/ژانویه ۱۹۰۹م (چند نفر از زنان در بازار پراکنده شدند بازاریان را دعوت به قیام علیه دولت کردند. آنها سعی داشتند در بازار وحشت به راه انداخته، صاحبان مغازه ها را دعوت به بستن بازار کنند؛ ولی کوشش آنان به جایی نرسید. اما این قبیل تلاش ها چندان هم بی ثمر نبود چنانکه مشروطه خواهان تهران موفق شدند بازار را از ۲۱ تا ۲۳ محرم ۱۳۲۷ ه. ق / ۱۳ تا ۱۵ فوریه ۱۹۰۹ م، به اعتصاب بکشانند. در روز ۲۴ محرم اعتصاب خاتمه یافت و اکثریت بازرگانان و کسبه مغازه ها و دکه ها را باز کردند. ولی یک مرتبه نامه های تهدید آمیزی مبنی بر اینکه بمب در ساختمان ها انداخته خواهد شد، در بازار پخش شد. این نامه ها با جوهر قرمز نوشته شده بود و به وسیله زنان پخش میشد. از این رو بازار دوباره بسته شد. (بشیری ۱۳۶۶: ۸۵)

از حرکتهای سرسخت زنان مبارزات نظامی آنان بود که بدنبال پیروزی های رزمندگان مشروطه خواه در تبریز، گیلان و اصفهان، بود و مشروطه خواهان تهران نیز فعالیت های خود را گسترش دادند و به انجای مختلف مردم را به مبارزه مسلحانه دعوت کردند. در این عرصه نیز زنان فعال بودند. در ماه محرم ۱۳۹۲ ه. ق / فوریه ۱۹۰۹م، هفته نامه حبل المتین از تهران خبر داد که متجاوز از یکصد نفر زن مسلح به طپانچه های ششلول در کوچه های طهران به شاه فحش داده و حرکت می کردند. (حبل المتین ۱۳۲۷: ۱۸)

مجاهدان هم که در جریان مبارزات مردمی بر مخالفان مشروطه پیروز شدند به سوی تهران حرکت کردند و به دیگر مشروطه خواهان مبارز پیوستند، تهران را محاصره و بالاخره موفق شدند تهران را در تابستان ۱۲۸۸ فتح کنند. فتح تهران در روز ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۷ ه. ق / ۱۵ مه ۱۹۰۹ م، به حاکمیت استبداد صغیر در ایران پایان داد و بار دیگر نظام پارلمانی را برقرار کرده در دوره استبداد صغیر زنان ایرانی با شرکت در مبارزه گسترده و همه جانبه سیاسی و اجتماعی، توانایی های خود و لزوم مشارکتشان در ساماندهی اجتماعی جامعه ایران را آشکار کردند.

به دنبال این تحولات، زنان خواهان سهم خود از حقوق اعطا شده توسط قانون شدند. اگرچه این تلاش ها توسط اقلیتی از زنان شهری، آن هم در شهرهای بزرگ صورت گرفت، با این وجود توانست منشأ اقدامات بی سابقه و

بدیعی در حوزه زنان گردد: حرکت‌هایی همچون تشکیل انجمن زنان، تأسیس مدارس دخترانه و انتشار روزنامه توسط زنان.

۱۱. نقش زنان در جنبش مشروطه در بخش‌های قدرت

نقش زنان در جنبش‌های تهران و شهرها و یا جنبش اندرونی و حرم ناصری و نقش‌آفرینی‌های آنان و نوع قدرت آنان قابل توجه و بررسی است. در نخستین جنبش تنباکو مقاومت زنان دربار ناصری از لایه‌های قدرتی حکایت داشت که به عبارتی برگرفته‌شده از ساختار جامعه ایلیاتی بود زیرا هر یک از زنان که در حرم حضور داشتند از ایلات پراکنده ایران بودند و مناسبات ایلی زمینه نفوذ بر شاه را اعمال می‌نمودند ساز و کارهای مدل‌های قدرت زنان در دربار و مکانیسم‌های قدرت زنان آورده می‌شود. زنان درباری در دوره‌ی ناصری در حد واسطه بین مردم و شاه در امور دخالت می‌کردند و نفوذ زنان اندرونی در امور سیاسی مملکت بسیار مشهود است. فعالیت سیاسی زنان حرم، تابعی از اقتدار خانوادگی و شخصی و نیز، قدرت و اراده شاه متغیر بوده است. نکته قابل تأمل این است که در اواخر دوره قاجاریه به دلایلی چون انقلاب مشروطه بحران‌های اقتصادی و سیاسی و جو انتقادی حاکم بر مطبوعات، سنت حرمسراهای گسترده از میان رفت. باید اذعان داشت دخالت زنان قدرتمند دربار در امور سیاسی، از طریق دخالت در واگذاری مناصب حکومتی و حتی تکیه مستقیم بر مسند قدرت و به‌ویژه تعامل با سفرای خارجی، برای اهداف شخصی و سیاسی صورت می‌گرفت. مشارکت آنان در جنبش‌های اجتماعی، تابعی از تغییرات، در ساخت اجتماعی و سیاسی جامعه‌ی سنتی ایران به شمار می‌آید. ناصرالدین‌شاه، در موارد زیادی، تحت تأثیر افکار مادر و زنان خود قرار می‌گرفت. گزارش پولاک می‌تواند نفوذ زنان درباری را بر قدرت ناصرالدین‌شاه نمایان سازد:

"شاه به این خیال واهی دل‌خوش دارد که فرمانروای منحصر به فرد مملکت است؛ در حالی که حقیقتاً هم چون توپ‌بازی در دست دیگران است. حال این «دیگران» ممکن است مادرش، همسرش، وزرایش یا هر درباری دیگری باشد که بتواند وقایع و اتفاقات را به نحوی به عرض برساند که او الزاماً به همان نتیجه‌ای برسد که گزارشگر خبر بخواهد شاه بپندارد؛ که همه چیز بر وفق مراد و نظر او انجام گردیده است" (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۹۴).

قدرت زنان دوره ناصری در نجوم هم جالب بود چنانکه ناصرالدین‌شاه در هنگام تصمیم‌گیری در مورد مسائل کشوری، علاوه بر منجم مخصوص دربار، همواره با یکی از زنان سوگلی خود (منظور انیس الدوله) نیز به مشورت می‌پرداخت، زیرا اعتقاد داشت که او «از نوعی ودیعه پیشگویی» برخوردار هست» (کارلا سرنا، ۱۳۶۳: ۲۰۹).

بعضی از بانوان خواندن و نوشتن می‌دانستند ولی، بنابر مصلحت، از ظاهر ساختن آن سخت خودداری می‌کردند، زیرا هر چند تن، طرفدار و خبرنگار یکی از رجال برجسته دولت بودند (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۱۳۶).

۱۰۳). ماهرخساره - همسر ناصرالدین شاه - به طور محرمانه فرامین شاه را مطالعه می‌کرد و به اطلاع امین السلطان می‌رسانید (تاج السلطنه، ۱۳۷۱: ۵۰).

گسترده‌ی شبکه‌های قدرت زنان در حرم و دربار چنان بود که زنان از اقصی نقاط ایران وارد دربار شده بودند و برای برقراری خود نیازمند قدرت و وجود شمار کثیری از شبکه‌های متعدد روابط قدرت توأم با مجموعه‌ای از اشکال آن بودند.

۱۲. نقش زنان در واگذاری مناصب کلیدی .. بر شاه

از دوره قاجاریه زنان در صحنه‌ی سیاسی ایران در واگذاری مناصب دیوانی و اداری کشور، نقش به‌سزایی ایفا می‌کردند. این نقش، علاوه بر مزایای اقتصادی برای آنان، از عوامل شوکت و قدرت آنان در میان کارگزاران حکومتی به شمار می‌آمد. به عبارتی زنان آهسته‌آهسته شبکه‌سازی قدرت ایلاتی و تباری خود را بانفوذ پنهان بر شاه بدست آوردند.

از آنجا که دولت یا طبقه حاکم منشأ ایجاد قدرت نیست. قدرت به شکل مویرگی مفهوم‌سازی شده است. قدرت مانند خون در شبکه مویرگی بدن به هر نقطه‌ای می‌رسد و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (لوکس، ۱۳۸۷: ۵۹) قدرت زنان و حضور آنان در جنبش‌های اجتماعی سیاسی دوره مشروطه منبث از قدرت زنان اندرونی بود که در واگذاری مناصب به آشنایان و کسان یکی از اهرم‌های قدرت بودند چنانکه در مورد روشها و سیاستهای زنان و نفوذشان بر شاه چنین آمده است:

"در حین قدم زدن و تماشای مناظر قصر، بانوان ناصرالدین شاه، فرمان حکومت ایالات و استانداری و یا مناصب دیگر را چه لشکری و چه کشوری به صحنه شاه می‌رساندند، البته در این پیرایند ضمیمه هم دارد و کمتر از صد اشرفی نخواهد بود که باید تقدیم گردد، میزان تقدیمی، بسته به درجه و عنوان مأموریت و منصب بوده است. این‌گونه اقدامات از درباریان بود که با هر یک از بانوان حرم نسبت داشته باشند و یا جلب توجه به واسطه رشوه و تقدیمی‌ها نموده باشند یعنی هم در تقدیمی شاه و هم سهم خود آن بانو که باید احکام را به امضاء برساند" (اعظام قدسی، ۱۳۴۲: ۷۲).

از جانب دیگر، به صورت گریزناپذیری خویشاوندی با شاه وقت، دیر یا زود امتیازاتی را در پی داشت. برادران انیس الدوله که به شغل پینه‌دوزی مشغول بودند- به حکومت کاشان و قم دست یافتند. (دیولافوا، ۱۳۳۲: ۱۹۸). جیران، همسر سوگلی ناصرالدین شاه که در گذشته رقاصه‌ای بیش نبود، وسیله دریافت حکومت یکی از ولایات برای پدرش گردید و یکی از خویشانش که حتی سواد خواندن و نوشتن هم نداشتند به سمت فراش خلوت شاه برگزیده شد. (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۶۲).

امینه اقدس نیز، برادرزاده خود، معروف به ملیجک را محرم اسرار و خلوت شاه کرد و حکومت قم را نیز مدتی برای برادرش دست و پا کرد. در سال ۱۳۱۱ ه ق، با توصیه و اعمال نفوذ انیس الدوله، نظام‌السلطنه مافی از حکومت فارس معزول و رکن الدوله به‌جای وی منصوب گردید.

به تدریج قدرت زنان سوگلی در دوران ناصری و مظفری به حدی گسترش یافت که محل اقامت آنان، در کنار اماکن مقدس و دیگر مراکز بست، به مأمن گناهکاران و بی‌گناهان برای فرار از مجازات و نیز بست‌نشینی گردید (کرمانی، ۱۳۶۲: ۵۰۸). علاوه بر این گزارش ناظم الاسلام کرمانی، منابع دوران ناصری، از فرار گرفتن مکان سکونت برخی از بانوان حرم، به عنوان محل بست، اطلاعاتی در اختیار ما قرار می‌دهند؛ بنابراین گزارش اعتمادالسلطنه در دوران ناصری، منزل امینه اقدس محل بست بود و حتی شاهزادگان و رجال سیاسی وقت، به هنگام نیاز بدان جا پناه می‌آوردند، هم چنین محل اقامت انیس الدوله، چه در سفر، چه در حضر، محل بست بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۹۶۴).

قدرت زنان حرم در دوره‌ی ناصری به گونه‌ای بوده است که حتی در تغییر عالی‌ترین مقام دربار، یعنی صدراعظم، آشکارا مشارکت می‌کردند. جیران (فروغ السلطنه)، یکی از زنان قدرتمند ناصرالدین‌شاه، مرگ مشکوک فرزندش ملک قاسم میرزا را که به تازگی (۱۸۸۵م، ۱۲۷۵ه. ق) به ولیعهدی انتخاب شده بود، به وزیر اعظم، میرزا آقاخان نوری، نسبت داد و زمینه‌ی سقوط وی را فراهم ساخت. (امین‌الدوله، ۱۳۴۱: ۱۱-۱۲). علاوه بر میرزا آقاخان نوری، باید مقدمات سقوط میرزا حسین‌خان سپهسالار را در انتقام‌جویی انیس الدوله جستجو کرد؛ زیرا انیس الدوله بعد از این که در جریان سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگ از روسیه به توصیه میرزا حسین‌خان سپهسالار صدراعظم بازگردانده شده بود؛ سوگند یاد کرد که انتقام چنین عملی را از صدراعظم بگیرد و به مجرد مراجعت به تهران، با دشمنان صدراعظم ساخت و برخی از روحانیون را علیه وی که در میان مردم از وجهه‌ی چندانی برخوردار نبود- تحریک نمود و با حمایت‌های فرهاد میرزا، عموی شاه که در غیاب وی نایب‌السلطنه بود، مقدمات سقوط وزیر را فراهم ساخت. (کارلاسرنا، ۱۳۶۲: ۷۹). باید اذعان داشت با فشارهای زنان حرمسرا، در قالب گریه و زاری و به دست گرفتن قرآن از سوی آنان، امین‌الدوله از منصب صدارت اعظمی در عهد ناصری عزل می‌گردد (کسروی، ۱۳۶۹: ۲۳). در دوره مظفرالدین شاه، با اعمال‌نظرهای حضرت علیا، خواهر فرمانفرما که همسر مظفرالدین شاه بود، فرمانفرما به حدی قدرت می‌یابد که به خود حق دخالت در تمام امور کشور را می‌دهد. (کاساکوفسکی، ۱۳۴۴: ۱۶۵). در مورد نفوذی که زنان حرمسرا در جنبش تنبک‌و‌اعمال نمودند اگرچه قدرتی تصاحب نشد اما این قدرت موجب کسب «امتیازی» شد و آن حاصل موقعیت استراتژیک زنان ایللیاتی حرم ناصری بود. اثری که حاصل موقعیت زنانی بود که تحت سلطه آشکار بودند و با استفاده از نفوذ پنهان توانستند آشکارا بر قدرتی که آنان را محاصره کرده بود پیروز نمایند. روابط و شبکه‌های پیچیده قدرت در اقشار گوناگون زنان در جنبش‌های سایر شهرها به گونه‌ای درهم تنیده شده بود که «در حقیقت، این روابط بدین صورت و بر اساس سلسله‌ی کاملی از چرخنده‌های پیچیده مفصل‌بندی می‌شود.» (فوکو، ۱۳۷۸: ۳۸-۳۹) اگرچه نمونه‌های «خرده قدرت‌ها» از زنان آشکار می‌شود اما به قطع یقین می‌توان آن را در دگردیسی قدرت زنان در طبقات حاشیه‌ای و محروم بسیار برجسته دانست. بحرانهای اقتصادی و فشارهای حاصل از آن در اواخر دوره قاجار کمر زنان را درهم شکست و حضور آنان در جنبش‌های شهری اجتناب‌ناپذیر و متکی بر قدرتی زنانه بود تا خواسته‌هایشان را از اهرم‌های بالای قدرت مطالبه نمایند.

نقش زنان طبقات اجتماعی و نقش زنان طبقات بالای درباری که پایگاه اجتماعیشان مبتنی بر خاندانها و طوایف و ایلات بود و انتقالشان به دربار و اعمال قدرت و نفوذ پنهان آنان بر شاه در جریان جنبش تنباکو بسان آغاز جرقه‌های جنبش زنان در اوان مشروطه دانست چنانکه بر تمامی شبکه‌ها و نهادهای اجتماعی زنان و آغاز عصیان و مطالباتشان تأثیر گذار بود.

۱۳. نتیجه گیری

نتایج نشان می‌دهد در جنبش تنباکو حضور و نفوذ شبکه قدرت پنهان و گسترده زنان دربار ناصری از منظر صورت‌بندی‌های اجتماعی، شبکه‌ای از زنان قبایل و ایلات در دربار بودند که به‌مرور ایام با استفاده از نفوذ پنهان، بر شاه اعمال قدرت می‌کردند و بازتولید این شبکه قدرت پنهان در مراحل بعدی حرکت‌های اجتماعی منجر به ایجاد شبکه قدرت زنان و حرکت‌های سیاسی، اجتماعی آنان در دوران مشروطه شد. مدل قدرت زنان ایلپاتی در دربار و حرمسرا توأم با اقتدار بود. تأثیر مادران، همسران، دختران و سوگلی‌ها با توجه به ساختار حرمسراها و سلسله‌مراتب که در بالا به آن اشاره شد چنان بود که زنان درباری دوره ناصرالدین‌شاه از مهد علیا مادر شاه تا انیس الدوله سوگلی شاه با اتکا به اقتدار و قدرت غیرمستقیم در دربار اعمال می‌شد. سالهاست که از زنان حرمسراها بحث و گفتگوهای متعدد می‌شود و تنوع‌طلبی شاهان در حرمسراها در متون تاریخی طرح شده است اما به این نکته باید توجه داشت که نقش زنان صرفاً در همسری شاهان معنا نمی‌یافت برخی زنان ایلات به شکل گروگان در دربار بودند تا شاه بطور مستمر بر حاکمان ولایات قدرت و نفوذ و کنترل داشته باشد اما از سویی زنان ایلات و طوایف گوناگون که همسران شاه بودند همراه رجال متنفذ در دایره ذی‌نفوذ بر شاه دخالت مستقیم داشتند. به عبارتی زنان مناصب را در حرم از جانب ایل و تبارشان با جلب رضایت شاه و دستور مستقیم وی جابجا و یا تحکم می‌بخشیدند و با در اختیار گرفتن روح و جسم شاه به حب و بغض‌ها و تنبیه و پاداش‌ها دست می‌یافتند. دستور شکستن قلیان‌های شاه توسط زنان در جنبش تنباکو برگرفته از نه قدرت آنان بلکه از اقتدار آنان بود. در جنبش‌های شهری که بعد از بحرانهای اقتصادی توسط مردم در شهرهای گیلان و کرمان و تهران و تبریز و ... در سطحی وسیع شکل گرفت زنان از طبقات اجتماعی به حاشیه رانده شده از اندرونی‌ها اعتراضات و ناراضی‌های خود را همراه با حمایت از علمای مذهبی که با پشتوانه معلوماتشان که در روضه خوانیها گرفته بودند و در تقلید از مراجع و علما توانستند نقطه محوری مطالباتشان را در حمایت از وعاظ و منبری‌هایی در اماکن عمومی و مساجد انجام دهند، توانستند در پیوند با آنان قدرت گرفته و متقابلاً روحانیون نیز از حمایت زنان سستی برخوردار شوند. به جرأت می‌توان چنین گفت که یکی از زمینه‌های قدرت یابی علما و روحانیون از این دوران رقم خورد، زیرا قدرت پدید آورنده دانش است و دانش همان قدرت و انسان محصول قدرت است. به عبارتی این زنان بودند که به علما قدرت بخشیدند و آنان با اتکا به دانش علمی کلامی شان موفق به کسب قدرت شدند و متقابلاً به زنان در اعتراضات قدرت دادند.

همراهی مردان با زنان معترض تا نبردهای نظامی بسیار برجسته نیز ظاهر شد و درواکوی مبانی نظری قدرت زنان با استفاده از "ستیز آشکار" در حوزه مبارزه با حکومت توانستند در مدل‌های متعدد بست نشینی و اعتراض و نبرد

حضور زنان در جنبش های اجتماعی... ۷۵

نظامی بطور آشکار در تحولات دوره مشروطه تأثیر گذار باشند و حاصل عملکرد آنان به تشکیل انجمنهای گوناگون و چاپ روزنامه و نشریات زنان و بنیانگذاری نهادهای متعدد مانند دارالمعلمت شد و از همه مهمتر ورود زنان به حوزه دیوانسالاری شد که تاکنون در این زمینه پژوهشی انجام نگرفته و پژوهش مستقلی را طلب می نماید .

کتاب نامه

آدمیت ، فریدون؛ ناطق، هما (۱۳۵۶) افکار اجتماعی و سیاسی در آثار منتشر نشده دوران قاجار ، تهران : آگاه.

اجتهادی، مصطفی (۱۳۸۲) دایره المعارف زن ایرانی، ج ۱، تهران: مرکز امور مشارکت زنان. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۷) تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.

اعظام قدسی، حسن (۱۳۴۲) خاطرات من، روشن شدن تاریخ صدساله، تهران: ابوریحان . امین الدوله، میرزا علی اصغرخان (۱۳۴۱) خاطرات امین الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، تهران: امیر کبیر.

بصیرالملک شیبانی (۱۳۷۴) روزنامه خاطرات بصیرالملک شیبانی، به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، تهران: دنیای کتاب.

پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱) سفرنامه پولاک؛ ایران و ایرانیان، ترجمه ی کیکاوس جهاننداری، تهران: خوارزمی.

تاج السلطنه (۱۳۷۱) خاطرات تاج السلطنه، به کوشش منصوره اتحادیه، تهران: نشر تاریخ ایران. حجازی، بنفشه (۱۳۸۳) تذکره اندرونی، تهران : قصیده سرا .

دلریش ، بشری (۱۳۷۵) زن در دوره ی قاجار، تهران : دفتر مطالعات دینی هنر.

دیولافوا ، مادام (۱۳۳۲) سفرنامه مادام دیولافوا، ترجمه ی وفره ، شی تهران : خیام.

راش، مایکل ، (۱۳۸۶) جامعه و سیاست :مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی، انتشارات سمت.

روشه، گی (۱۳۷۹) تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.

ریترز، جورج (۱۳۹۸) نظریه جامعه شناسی، تهران، نشر نی .

زوار ملک زاده، مهدی (۱۳۶۳) تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد ۲، تهران

شیرودی، مرتضی (۱۳۸۴) «نقش اجتماعی سیاسی زنان در جامعه ی معاصر ایرانی»، پژوهش زنان، دوره ی سوم، شماره ۲، صص ۹۳-۷۵.

فوکو، میشل (۱۳۷۸) مراقبت و تنبیه -تولد زندان ، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان دیده ، تهران: نشر نی.

۷۶ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲

کارلاسرنا (۱۳۶۲)، سفرنامه مادام کارلاسرنا؛ آدمها و آیین ها در ایران، ترجمه ی علی اصغر سعیدی، تهران : نشر نو.

گاساکوفسکی (۱۳۲۴) خاطرات کلنل کاسا کوفسکی، ترجمه ی عباسقلی جلی، تهران: امیر کبیر.

کسروی، احمد (۱۳۸۰) تاریخ مشروطه ایران، تهران، انتشارات صدای معاصر.

لسان الملک سپهر، محمدتقی (۱۳۳۷) ناسخ التواریخ، به اهتمام جهانگیرقائم مقامی، تهران: امیرکبیر.

لوکس، استیون (۱۳۷۵)، قدرت نگرشی رادیکال، انتشارات خدمات فرهنگی رسا.

معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۶۱) یادداشت هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، تهران: نشر تاریخ ایران.

ملک زاده، مهدی (۱۳۶۳) تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد ۲، تهران: سقراط.

ویلرینجامین، ساموئل گرین (۱۳۶۳) خاطرات و سفرنامه ساموفق گرین ویلرینجامین، ترجمه

محمدرضازاد ملک، تهران: گلبانگ.

یزدانی، سهراب، (۱۳۷۶) کسروی و تاریخ مشروطه، تهران، نشر نی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی